

Critique of Extremists' interpretations in narrative interpretations

(Received:2022/01/18-Accepted:2022/04/18)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26767384.1400.6.6.7.0>Ahang, Ali¹**Abstract**

The phenomenon of extremist thoughts is a bitter and complex reality in the Shiite narrative and theological realm. This is a sinister phenomenon that has a long history. Most of them emerged as a deviant current after the death of the Holy Prophet of Islam (PBUH) and aimed to besmirch the reputation of Ahl al-Bayt (AS). The continuous counter-act by the Ahl al-Bayt (AS) and Shiite thinkers against the phenomenon of extremism indicates the origin and purpose of this extremist idea in promoting superstitions and destroying the image of religion. It turned out that the narration of this type by a number of Shiite commentators who had a narrative approach and not in order to align with the goals of the extremists which has been due to the faithful intentions in promoting the dignity of the Ahl al-Bayt (AS) on the one hand, the trust in such narrations due to the Akhbari view on the other hand. Unaware that such lax narrations do not deserve trust and citation.

Keywords: exaggeration, Exaggerators, interpretation, narrative interpretation, critique and analysis.

¹. Assistant Professor of Holy Quran University and Sciences - Bojnourd Faculty of Quranic Sciences, Bojnourd, Iran, (Corresponding Author), aliahang968@gmail.com



نوع مقاله: پژوهشی

نقدی بر تاویلات غالبانه در تفاسیر روایی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۹)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26767384.1400.6.6.7.0>

آهنگ، علی^۱

چکیده

پدیده غلو و اندیشه های غالبانه یک واقعیت تلخ و پیچیده در قاموس روایی و کلامی شیعه محسوب می شود. این پدیده شوم، گرچه قدمتی به درازای تاریخ دارد؛ اما بیش از همه بعد از رحلت نبی مکرم اسلام ﷺ و با هدف تشویه چهره اهل بیت ، به عنوان یک جریان انحرافی ظهور و بروز نموده است. مبارزه مستمر اهل بیت  و اندیشمندان شیعه با پدیده غلو، از خاستگاه طراحی شده و هدفمند این اندیشه افراطی در ترویج خرافات و تخریب چهره دین حکایت دارد. در این پژوهش که با روش کتابخانه ای سامان یافته، مشخص شد غالبان در پوشش تأویل آیات و با اهدافی چون خرافه پروری، اختلاف افکنی و ترویج اباحیگری، روایاتی را در کرامات و فضائل اهل بیت  جعل و نشر می دادند که نمونه هایی از آنها در منابع روایی و تفاسیر مأثور شیعه قابل ردیابی است. با استفاده از داده های رجال شناختی و حدیث پژوهی، نمونه هایی از این دست روایات به لحاظ متن و سند مورد ارزیابی و نقد قرار گرفت و مشخص شد نقل این دست از روایات توسط تعدادی از مفسران شیعه که رویکرد اخباری داشته اند نه به خاطر همسویی با اهداف غالبان؛ که به خاطر نیت مؤمنانه در ترویج شأن اهل بیت  از یک سو، و اعتماد به این دست از روایات به خاطر نگاه اخباری از دیگر سو بوده است. غافل از اینکه چنین روایات سستی شایستگی اعتماد و استناد ندارند.

کلید واژه ها: غلو، غالبان، تأویل، تفسیر روایی، نقد و تحلیل.

^۱. استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، بجنورد، ایران، aliahang968@gmail.com.

This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License

۱- طرح مسأله

یکی از جریانهای انحرافی که زیربنای فکری و اعتقادی ادیان الهی را هدف قرار داده و با مسخ احکام شریعت زمینه اباحیگری را در جامعه فراهم ساخته، غالیگری می باشد. قرآن کریم در آیات ۳۰ توبه، ۷۷ مائده و ۱۷۱ نساء پیشینه چنین اندیشه ای را قبل از اسلام و در اندیشه های یهود و نصارا می داند. و البته نفوذ آن در میان نحله های مختلف اسلامی با شدت و ضعفی متفاوت مسلم و غیر قابل انکار است. بروز فرقه هایی چون خوارج، عُلات، باطنیه و ... از بارزترین اشکال غلو در تاریخ اسلام به شمار می آید.

نفوذ این اندیشه در منابع روایی و تفسیری شیعه و در پوشش تأویل آیات، آسیبی جدی محسوب شده و درخور نقد است. در این پژوهش که به شیوه کتابخانه ای انجام شده، ابتدا مفهوم، پیشینه و اقسام غلو تبیین شده است، سپس معنای تأویل بیان شده و در نهایت با تحلیل روایات تفسیری، آن دسته از روایاتی که شائبه غالی گری داشت ضمن دسته بندی در ذیل اهداف مختلف غالیان، از لحاظ سندی و محتوایی مورد ارزیابی قرار گرفت.

پیشینه شناسی موضوع ما را با آثار متعددی اعم از کتاب، پایان نامه و مقاله در این زمینه روبرو می سازد از جمله: کتاب «غالیان: کاوشی در جریانه‌ها و برایندها تا پایان سده سوم» (صغری روشانی، ۱۳۸۸ش)؛ «جریان شناسی غلو» همو، ۱۳۷۵ش: ۱۲۶-۱۰۸؛ «پژوهشی درباره طوایف غلاه تا پایان غیبت صغری و موضع ائمه علیهم السلام در این باب»، (اسفندیاری، ۱۳۷۴ش)؛ «عصای موسی یا درمان بیماری غلو» (صالحی نجف آبادی، ۱۳۸۰ش)؛ «جریان شناسی غلو و غالیان در عصر رضوی با تأکید بر آموزه های امام رضا علیه السلام»، (دلبری، ۱۳۹۴ش: ۱۰/۹۶-۷۵).

۲- مفهوم شناسی غلو

«غلو» در لغت به معنی ارتفاع و از حد درگذشتن است. وقتی می گویند «غلا الرجل فی الامر غلوًا» یعنی از حد درگذشت و افراط نمود (ابن فارس، ۱۳۹۹ق: ۳۱۲/۴؛ طبرسی، ۱۴۲۵ق: ۲۲۱/۳). «غالی» که جمع آن در عربی «غُلاه» (زبیدی، بی تا: ۱۳۵/۱) و در فارسی «غالیان»



می باشد، عنوان فراگیری است که بر هر فرقه ای از فرق اسلامی که درباره پیغمبر ﷺ یا ائمه علیهم السلام و یا کسانی دیگر قائل به الوهیت، یا تناسخ، یا حلول خدا در آنان شده و یا نبوت را در شخص دیگری بدانند اطلاق می شود؛ اما نوعاً به کسانی می گویند که درباره حضرت علی علیه السلام و فرزندان او غلو کرده و آنها را به الوهیت یا نبوت ستوده باشند (روحانی، ۱۳۹۰ش: ۱۰۰۸/۲).
شیخ مفید در معرفی غلاه می گوید: «غالیان، مسلمان‌نماهایی هستند که به امیرمؤمنان علیه السلام و دیگر فرزندان وی نسبت خدایی دادند و آنان را به چنان صفتی موصوف نمودند که به افراط رسید و از اعتدال درگذشت» (شیخ مفید، بی تا: ۱۳۱؛ نسخه مکتبه الشامله).

۳- ریشه و پیشینه جریان غلو:

بنا بر گزارشی پیامبر ﷺ مسلمانان را از غلو در حق خود بازمی دارد و می فرماید: ﴿لَا تُطْرُونِي كَمَا أَطَرَتِ النَّصَارَى عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ﴾ در وصف و مدح من گزافه گویی و افراط نورزید چنانکه نصارا در حق عیسی علیه السلام گرفتار شدند؛ من فقط بنده و رسول خدایم (ابن حنبل، بی تا: ۱۶۰/۱). این گزارش حداقل منعکس کننده این نکته است که عده ای در زمان حیات پیامبر ﷺ تمایل به غلو داشتند. حضرت علی علیه السلام نیز می فرمایند: ﴿يَهْلِكُ فِي اثْنَانِ مُحِبُّ غَالٍ وَ مُبْغِضٌ قَالَ﴾ دو گروه در ارتباط با من هلاک می شوند: محبان افراط پیشه و مبغضان کینه توز (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۲۵/۲۸۵). و در عبارتی صریح تر می فرمایند: ﴿اللَّهُمَّ إِنِّي بَرِيءٌ مِنَ الْغُلَاةِ كِبْرَاءَةَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مِنَ النَّصَارَى اللَّهُمَّ اخْذَلْهُمْ أَبَدًا وَ لَا تَنْصُرْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾ بار الها من از غلاه بیزارم چنانکه عیسی علیه السلام از نصارا برائت جست، خدایا همواره خوارشان بدار و هیچ یک از آنان را یاری مکن (همان، ۲۶۶/۲۵).

جریان غلو در ضایع کردن چهره تشیع و انزوای مکتب اهل بیت علیهم السلام تاثیر به سزایی داشت. سخنان و رفتارهای غالیان موجب خدشه دار شدن چهره ائمه و شیعیان می شد. (رک: آقا نوری، ۱۳۸۶ش: ۲۷۳).

در مقابل، اهل بیت علیهم السلام به شدت از همنشینی با غلام باز می داشتند و به صورت علنی به لعن آنها می پرداختند (برای نمونه نک: طوسی، ۱۳۶۵: ۳۳/۲؛ همو، ۱۳۹۰: ۱۳۹۰/۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۸۴/۴؛ نوری، ۱۴۰۸: ۱۴۸/۱). کلینی روایتی را به دست می دهد که طبق آن امام صادق علیه السلام از عملکرد غالیان بر خود می لرزد و استغاثه به درگاه الهی می برد، مضمون روایت چنین است که: امام صادق علیه السلام از خانه خارج شد و بلافاصله برگشت و در حالی که آثار غضب از چهره اش هویدا بود فرمود در مسیر به عده ای از اهالی مدینه برخوردیم که [به جای «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ»] می گفتند «لَبَّيْكَ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ» از این سخن لرزه بر تنم افتاد و به خانه برگشتم و در سجده به درگاه الهی تضرع نمودم که خدایا من از این سخنان بیزارم چنانکه عیسی علیه السلام ابراز بیزاری و برائت نمود. حضرت در ادامه فرمود: خدا لعنت کند ابوالخطاب را [که چنین بدعتی را پایه گذاری نمود]. (کلینی، ۱۳۶۵: ۲۸۶/۸ - ۲۲۵).

علامه مجلسی در توضیح روایت می گوید: احتمالاً این افراد پیروان ابوالخطاب و معتقد به ربوبیت امام صادق علیه السلام بوده اند که در مراسم حج به جای «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» می گفتند «لَبَّيْكَ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ» برای همین امام صادق علیه السلام از عمل آنها غضبناک شدند و ابوالخطاب را لعن نمودند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۷-۴۴).

زید نرسی نیز در اصل خود آورده است که وقتی به امام صادق علیه السلام گزارش می دهند که ابوالخطاب و یارانش مدعی اند که امام صادق علیه السلام خدای آنهاست و ابوالخطاب را به عنوان پیامبر فرستاده است، آن حضرت به شدت اشک می ریزد و پیشانی تضرع به درگاه الهی می ساید و می فرماید: بارها از آنچه می گویند اعلام برائت می کنم و با تمام وجود خاضع و خاشع توام، هیچ شریکی نداری (نوری، ۱۴۰۸: ۱۹۷/۹، باب نوادر ما يتعلق بأبواب الإحرام).

۱. ابوالخطاب محمد بن ابی زینب، مقلص اسدی کوفی، پایه گذار فرقه غالی خطابیّه می باشد که امام صادق علیه السلام وی را لعن نموده و شیعیان را از مصاحبت با او باز می داشت (رجال کشی، ص ۲۹۰؛ رجال ابن غضائری، ج ۱، ص ۸۹؛ رجال ابن داود، ص ۵۵۱؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۴۴).



۴- اقسام غلو:

۴-۱- غلو در ذات (غلو الحادی و کفرآمیز): ادعای الوهیت و ربوبیت برای پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام و دیگر رهبران و افراد بشری و نیز قول به نبوت امامان و دیگر رهبران غالی را غلو الحادی و یا غلو در ذات گویند (آقا نوری، ۱۳۸۶ش: ۲۷۷؛ صفری، ۱۳۷۵ش: ۱۲۰).

اعتقادات شاخصی چون حلول و اتحاد، تناسخ، تجسیم و تشبیه، و طرح نبوت امامان و گرایش به الحاد و اباحیگری نوعاً ناظر به این گروهها بوده است (آقانوری، همان، ۲۷۸).

اینان در مقام عقیده و نظر، از مذهب معتدل و صحیح منحرف و در مقام رفتار و عمل معمولاً قائل به اباحیگری نسبی یا مطلق بوده اند و از هیچ عمل خلافی ابا نداشته اند (صفری، همان) و جعل و دروغ بافی در قلمرو حدیث را امر سهل و پیش پا افتاده ای می دانسته اند (کشی، ۱۳۴۸ش: ۲۲۴). انحراف از مذهب (غالی گری) به معنای یاد شده با دروغ و ضعف در روایت و حدیث ملازمه دارد. بنابراین اگر «غلو در ذات» در مورد یک راوی ثابت شد، نمی توان به احادیث او در آن حال اعتماد نمود، حتی اگر قائل به قبول روایات افراد فاسد العقیده و کافر بشویم؛ زیرا چنین کسانی با چنین عقایدی، عاقبت به وادی اباحیگری رسیده و در احادیث از مشرکین هم بدتر دانسته شده اند (صفری، همان).

۴-۲- غلو در صفات (تفویض): از نظر این گروه (مفوضه) اگرچه امامان مخلوق خدا و حادثند؛ اما از صفاتی خدایی و فرابشری برخوردارند. انتساب و ویژگیهایی چون خلق، رزق و تدبیر جهان و افعال بندگان به ائمه علیهم السلام و اعتقاد به استقلال در تشریح احکام و تفویض این امور از جانب خدا به آنان را از نشانه های چنین غلوی برشمرده اند (آقانوری، همان، ۲۷۹).

عقیده به «تفویض» مهم ترین شاخصه این گروه از غالیان می باشد و صاحبان چنین دیدگاهی در منابع روایی و فرقه شناختی «مفوضه» نامیده شده اند. شیخ صدوق نام غالیان و مفوضه را در کنار هم ذکر نموده و آنها را بدتر از یهود، نصارا و مجوس، معرفی نموده است (ر. ک: صدوق، بی تا، ۹۷: و همو، ۱۴۱۳ق: ۳۵۹/۱). شیخ مفید نیز مفوضه را از جمله غلاه دانسته و به نقد

دیدگاه آنها می پردازد (شیخ مفید، بی تا: ۱۳۳). در برخی روایات منسوب به امام رضا علیه السلام از مفوضه با عنوان مشرک یاد شده است و حضرت، شیعیان را از مجالست با آنان باز می دارد (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۲۷۳/۲۵، باب نفی الغلو فی النبی و الائمه)

۴-۳- تأویل:

واژه تأویل هفده بار در قرآن کریم استعمال شده است (نک: آل عمران/۷، نساء/۵۹، اعراف/۵۳، یوسف/۶ و...). رواج این واژه در مقابل تفسیر که تنها یک بار به کار رفته حکایت از مأنوسیت آن در عصر نزول دارد. با این وجود در گذر زمان، چنان ابهامی بر واژه تأویل پرده افکنده که کمتر واژه ای در قرآن کریم به چنین سرنوشتی دچار شده است. تقریباً اغلب واژه شناسان تأویل را از ریشه «أول» به معنای «رجوع و بازگشت» دانسته اند (ابن منظور، بی تا: ۱۱، ۳۲؛ زبیدی، بی تا: ۱، ۶۸۵۴). این اتفاق نظر درباره ریشه کلمه، همسانی دیدگاهها در این خصوص را در پی نداشته است، از این رو شاهد معانی گوناگونی از «تأویل» هستیم. برخی از قرآن پژوهان معاصر این معانی متعدد را در سه دسته قرار داده اند: الف) برگرداندن چیزی به هدفی که از آن مدنظر است؛ مثل ارجاع کلام و صرف آن از معنای ظاهر به معنای پنهان تر. ب) آشکار ساختن آنچه که شیء به آن باز می گردد؛ مثل روشن ساختن کلامی که معانی آن مختلف بوده و یا مثل تعبیر کردن خواب. ج) انتهای شیء، مصیر، عاقبت و آخر آن؛ مثل عاقبت کلام و چیزی که کلام به آن باز می گردد. (بابایی و دیگران، ۱۳۷۹ش: ۲۶-۲۵)

با آنکه بسیاری از مفسران متقدم همچون طبری (م ۳۱۰ق)، شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) و بسیاری دیگر، تأویل را به معنای تفسیر گرفته اند؛ اما تعدد معانی لغوی و تنوع کاربرد این واژه در قرآن کریم مفسران و قرآن پژوهان بعدی را به بیان دیدگاههای مختلف سوق داده است. در میان کاربردهای متنوع تأویل در قرآن کریم، پنج مورد ناظر به تأویل قرآن است که دو مورد به طور قطع و به اتفاق نظر مفسران و سه بار بر حسب ظهور و بنابر مشهور به این حوزه اختصاص دارد: الف) معنای حقیقی و منظور واقعی برخی از آیات متشابه، ب) معنا و معارف باطنی آیات



کریمه، ج) مصداق خارجی و تجسم عینی وعد و وعیدهای قرآن کریم، د) مصادیق برخی از آیات که از دید عرف و افراد عادی پنهان است. (بابایی و دیگران، همان، ۳۰)

ابهام در معنای تأویل، برخی از جریانات فکری را به سوء استفاده از آن در تفسیر آیات واداشته است. تمسک باطنیه به باطن قرآن و رها کردن ظاهر آن و مصداق یابی و تطبیق بی رویه آیات قرآنی بر اهل بیت علیهم السلام و دشمنان آنها توسط غلات شیعه از نمونه های بارز کج فهمی معنای تأویل و سوء استفاده از آن می باشد. در ذیل به نقد و تحلیل نمونه هایی از تأویلات بی پایه غلات خواهیم پرداخت.

۵-اهداف غالبان و انعکاس آن در تفاسیر روایی:

غالبان با اهدافی چون خرافه پروری و سخریه دین، اختلاف افکنی و ترویج اباحیگری روایاتی را در فضائل و کرامات اهل بیت علیهم السلام جعل و در میان روایات صحیح پنهان می نمودند! نمونه هایی از این روایات در تفاسیر روایی قابل ردیابی است. گاه اعتماد و تکیه بر این روایات، برداشتها و نتیجه گیریهای نادرستی از آیات را سبب شده است که در ذیل به تبیین هر یک از آنها می پردازیم.

۵-۱-خرافه پروری و سخریه دین:

یکی از اهداف اصلی غالبان تهی ساختن مبانی دینی از پشتوانه های عقلی و ترویج خرافات جهت به سخریه گرفتن دین بود. آنان با نقل کرامات موهوم و ساختگی برای معصومان علیهم السلام به تخریب چهره آنان پرداخته و سایر مسلمانان را نسبت به آن حضرات و شیعیان بدبین می نمودند.

۱. امام صادق علیه السلام می فرمایند: خدا مغیره بن سعید را لعنت کند که روایاتی را در کتب شاگردان پدرم داخل نمود که آن حضرت آنها را نگفته بود (بحارالانوار: ۲/۲۴۹).

امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید: دشمنان ما فضائل و کراماتی را به ما نسبت می دهند که رنگ و بوی غلو و افراط دارد، تا بدین وسیله شیعیان را تکفیر نموده و آنان را به شرک منسوب سازند (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق: ۳۰۴/۱).

محتوای این کرامات که توسط غالیان خلق و منتشر شده شباهت بسیاری به اسرائیلیات دارد. در این زمینه غالباً با روایاتی روبرو هستیم که معجزاتی رؤیایپردازانه را به تصویر کشیده که زائیده تفکرات افراطی غالیان می باشد. انتساب این گونه معجزات و کرامات به حضرات معصومین علیهم السلام نیازمند تواتر و شهرت بوده و یا لاقلاً بایستی توسط منابع معتبر و صحیح السند به ما رسیده باشد. بخشی از این دست روایات در تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام قابل ردیابی است، لذا در ابتدا اعتبار سندی و روایی این تفسیر مورد ارزیابی قرار می گیرد.

بررسی صحت انتساب تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام: این تفسیر شامل فاتحه الکتاب و برخی از آیات سوره بقره تا آیه ۲۸۲ می باشد. ادعا شده است که آن املاء امام عسکری علیه السلام بر ابویعقوب یوسف بن محمد بن زیاد و ابوالحسن علی بن محمد بن یسار از اهالی استرآباد می باشد که جهت علم آموزی به سامراء نزد امام رفته بودند. [این تفسیر] توسط ابوالحسن محمد بن القاسم الخطیب معروف به مفسر استرآبادی از آن دو روایت شده است. هم دونفر اول و هم فرد اخیر مجهول می باشند (معرفت، ۱۴۱۸ق، ۴۷۸/۱). ابن غضائری، از پیشوایان علم رجال، مفسر استرآبادی را «ضعیف کذاب» دانسته و میگوید: ابن بابویه (شیخ صدوق)، از محمد بن قاسم که ضعیف و کذاب است، تفسیری را روایت کرده است. او نیز این تفسیر را از دو شخص مجهول، به نامهای «یوسف بن محمد بن زیاد» و «علی بن محمد بن یسار» نقل کرده است (ابن غضائری، ۱۳۶۴ق: ۲۵/۶).

بنابراین با توجه به وجود سه راوی مجهول در سند تفسیر منسوب به امام، سند آن از درجه اعتبار ساقط است و دیگر نمی توان به عنوان کلام امام علیه السلام بر آن اعتماد نمود. به علاوه اگر این کتاب از حضرت عسکری علیه السلام می بود، علی بن ابراهیم قمی و محمد بن مسعود عیاشی که معاصر آن حضرت بودند، قسمتی از آن را نقل می کردند و یا محمد بن عباس بن مروان که به دوران آن حضرت نزدیک بود، باید چنین می کرد؛ اما هیچ یک - لاقلاً بخش کوچکی از کتاب را - در



تفاسیری که هم اکنون از آنان در دست است، نقل نکرده اند (شوشتری، همان؛ جلالی، ۱۳۷۷ش: ۲۹۶).

دیدگاه دوم برخلاف گروه اول قائل به صحت این تفسیر و مرویات آن بوده و در نقل روایات آن در کتب خود اهتمام دارند. در یک نگاه کلی میتوان اخباریون را طرفدار این دیدگاه دانست که عموماً سند روایت و کتاب محل توجه آنها نبوده و متن و محتوای آن نیز با شیوه و منش فکریشان سازگار است.

دیدگاه سوم، قائل به تفصیل هستند. اینان به دلیل نقدهای مهم و اساسی وارده بر تفسیر امام حسن عسکری، نمیتوانند به کل تفسیر اعتماد نموده و آن را صد در صد تأیید نمایند بلکه بخشی از روایات تفسیر را که در نظرشان معتبر است پذیرفته و روایات غیر معتبر را رد میکنند. قائلان این دیدگاه معتقدند تفسیر منسوب به امام حسن عسکری نیز مانند دیگر کتب روایی نقل شده، مشتمل بر روایات مجعول، ساختگی و کذب است که نمیتوان به همه آنها اعتماد نمود ولی به دلیل وجود روایات ساختگی نباید از روایات صحیح آن نیز فرو گذاری نمود لذا باید با بررسی روایات آن سره از ناسره را تفکیک نمود. (نفیسی، ۱۳۹۶: ۱۰۶)

در خصوص آیه ﴿يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾ (بقره/۹)، تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام تأویل آیه را عداوت و توطئه پنهانی خلفای ثلاثه علیه علی علیه السلام می داند و ماجرای خیالی را به تصویر می کشد که: پس از مطلع شدن پیامبر صلی الله علیه و آله از این توطئه پنهانی جهت نمایان ساختن معجزات علی علیه السلام دشمنانش را به بیرون از مدینه دعوت می کند و در پای کوهی از علی علیه السلام می خواهد که دعا کند تا کوهها به طلا و نقره تبدیل شوند و چنین می شد و کوهها آن حضرت را مخاطب می ساختند که: ای علی، ای وصی رسول رب العالمین! به راستی که خدای تبارک و تعالی ما را برای تو آماده گردانید، در هر امری که بخواهی ما را مصرف کن، هر گاه بخوانی ما را اجابت دعوت تو می کنیم تا جاری شود بر ما حکم و قضاء تو.

این داستان پردازی همچنان ادامه دارد تا جایی که آن حضرت دعا کرد و بعد از آن کوه ها و روی زمین از مردان مکمل یراق دار که هر کدام برابری با هزار کس می کردند و نیز از شیر و پلنگ و افعی، پر شد و هر یک ندا می کردند که: ای علی! ای وصی رسول الله! خدای تعالی ما را مسخر تو کرده و امر کرده که اجابت کنیم ترا بر هر چه مسلط فرمایی... به راستی که ترا نزد خدای تبارک و تعالی آن قدر مرتبه هست که اگر سؤال کنی که بگرداند برای تو جمیع اطراف زمین را در کیسه هر آینه بکند (امام حسن عسکری، ۱۴۰۹ق: ۱۱۵). اثبات این گونه کرامات علاوه بر آنکه منع عقلی دارد؛ نیاز به تواتر و یا لااقل حدیث واحد معتبر صحیح السند دارد که تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام فاقد چنین سند معتبری بوده و در نقل این کرامات انفراد دارد.

نمونه دیگر ذیل آیه **﴿وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾** (بقره/۴۲) که می نویسد: مخاطب این آیه جمعی از یهودند که نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و وصایت علی علیه السلام را انکار می کردند؛ لذا حضرت صلی الله علیه و آله تورات را میان آنان و خود حکم گردانید ولی آنها خلاف آنچه در آن مکتوب بود، می خواندند. خداوند متعال نیز آن طوماری که تورات در آن نوشته شده بود را تبدیل به اژدهای دو سری کرد که هر سر از آن، دست راست کسی را که [طومار] در دست او بود فروبلعید و در هم شکست و ایشان فریاد و ناله می کردند و طومارهای دیگر که در آنجا بود به سخن درآمده می گفتند مادام که صفت محمد و نبوت او و صفت علی و امامت او بر آن نهجی که خدای تعالی فرو فرستاده را نخوانید از این عذاب رها نخواهید شد. پس از آن خواندند آنچه بود و ایمان به رسول آوردند و اعتقاد به امامت علی علیه السلام کردند (همان: ۲۳۰).

بی شک سنت الهی معجزه نشانه صدق نبی و برای اتمام حجت بوده است نه وسیله ای برای پاسخ به معجزات اقتراحی افراد جاهل که هدفشان از درخواست معجزه سرگرمی و تمسخر بود نه کسب ایمان و یقین (خوبی، ۱۳۸۲ش: ۱۵۶). قرآن کریم در آیات متعددی به این گونه معجزات پیشنهادی اشاره نموده و هیچ کدام را واقعی نمی نهد، از جمله می فرماید: **﴿وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبوعاً، أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهَارَ خِلالَهَا تَفْجیراً، أَوْ**



تُسْقِطُ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِي بَالِئِهِ وَالْمَلَائِكَةُ قَبِيلًا، أَوْ يَكُونُ لَكَ بَيْتٌ مِّنْ زُخْرُفٍ أَوْ تَرْقَى فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّى تُنَزَّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا (اسراء/۹۰-۹۳).

این آیات ترسیم کننده اصلی است در صحت و سقم روایاتی که پیامبر ﷺ را به مثابه فردی نشان می‌دهد که همواره جهت اثبات نبوت خویش و امامت حضرت علی علیه السلام، متوسل به معجزات و کراماتی می‌شود. این اصل در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام نه تنها رعایت نشده است بلکه مطالب این تفسیر عکس آن را اثبات می‌کند؛ در این تفسیر، پیامبر ﷺ به تمام پیشنهادها و تقاضاهای معجزه خواهان پاسخ مثبت می‌دهد و همین در دروغ بودن این مطالب بسنده است، چنانچه این کتاب مجعول نبود، می‌بایست معجزه‌های عجیبی که به پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام و سایر ائمه نسبت داده شده است توسط سایر علمای شیعه نیز نقل می‌شد (شوشتری، ۱۳۹۰ق: ۲۱۲).

برخی با فهم نادرست از احادیث «قولوا فینا ما شئتم»^۱؛ یعنی: درباره ما هر چه خواستید بگویید، به جعل داستانهای دروغین در معجزات و کرامات ائمه - علیهم السلام - پرداختند؛ لکن مفاد و محتوای مجموع این احادیث، حکایت از این واقعیت دارد که ائمه معصومین - علیهم السلام - از جهت صفات کمال در مرتبه بسیار بلندی قرار دارند، به گونه ای که انسانهای عادی حتی نمی‌توانند تصور آن را بنمایند، چه رسد به آنکه بتوانند آنان را در حد خود توصیف نمایند؛ اما به هیچ وجه، دلالت بر تجویز ساختن داستانهای دروغین در فضایل و معجزات ائمه علیهم السلام نمی‌نماید (صفری، همان).

^۱ منظور روایاتی است که بر اساس آن اهل بیت علیهم السلام فرمودند: در حق ما قائل به ربوبیت نباشید بلکه ما را بنده خدا بدانید، آنگاه در فضیلت ما هرچه خواستید بگویید (رک: بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۹۲؛ ج ۲۵، ص ۲۷۳ و ۲۷۹ و ۲۸۳).

یکی دیگر از اهدافی که این جریان انحرافی درصدد رسیدن بدان بود ایجاد تفرقه و شکاف در میان شیعیان از یک سو و در جامعه اسلامی از دیگر سو بود. آنان برای تفرقه افکنی بین شیعیان روایاتی را منسوب به اهل بیت علیهم السلام در مذمت عالمان برجسته شیعه و اصحاب خاص ائمه ترویج می کردند تا بدنه جامعه شیعی را نسبت به آنها بدبین کنند. از جمله لعن بزرگانی چون محمد بن مسلم طائفی، زراره بن اعین و برید بن معاویه عجلی را به امام صادق علیه السلام نسبت می دادند که در سند برخی از آنها مفضل بن عمر جعفری رهبر مکتب مفوضه از فرق غلات وجود دارد (ر.ک: کشی، ۱۳۴۸ش: ۱۴۷، ۱۴۹ و ۱۶۹).

و گاهی نیز به لعن خلفا و تکفیر آنها می پرداختند و بدین وسیله زمینه را برای حمله به اهل بیت علیهم السلام فراهم می کردند: امام باقر علیه السلام با اشاره به این هدف می فرماید: درباره ما سخنانی می گویند که ما آنها را نه گفته و نه انجام داده ایم، هدفشان مغضوب ساختن ما در بین مردم است (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ۴۳/۱۱). عقیلی از ابراهیم بن حسن نقل می کند که مغیره بن سعید بر من وارد شد و در حضور من به ابوبکر و عمر لعن فرستاد و از آن دو ابراز برائت نمود. گفتم ای دشمن خدا آیا در حضور من؟ آنگاه گلویش را به قدری فشردم که زبانش درآمد (عقیلی، بی تا: ۲۳۹/۸؛ سند، ۱۳۸۹ش: ۱۷۳).

شیخ صدوق به سند خویش از ابراهیم بن ابی محمود روایت نموده است که: به امام رضا علیه السلام عرضه داشتم که یا بن رسول الله، مخالفان شما فضائلی را در حق حضرت علی علیه السلام و شما نقل می کنند که مثل آن در روایات شما وجود ندارد، آیا چنین روایاتی را بپذیریم؟ حضرت فرمود: مخالفان ما سه گونه فضائل در حق ما جعل نموده اند: برخی از این روایات غلوآمیز و افراطی است و گروهی دیگر در حق ما تفریط نموده و دسته سوم از این روایات در مثالب دشمنان ما وضع شده است. وقتی مردم فضائل غالبانه را می شنوند، شیعیان را تکفیر نموده و آنان را به شرک منسوب می دارند، روایات تفریطی که جایگاه ما را تنزل داده صحیح می پندارند و با شنیدن روایات مثالب صحابه، ما را به باد دشنام می گیرند. یا ابن ابی محمود خداوند می



فرماید: ﴿لَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ عَدَاوَةً بَغَيْرِ عِلْمٍ﴾ (انعام/۱۰۸)، پس آنچه گفتیم خوب حفظ کن که خیر دنیا و آخرت در این است (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق: ۳۰۴/۱).

از جمله فعالیت‌های تحریفی غلات که با هدف تفرقه افکنی در جامعه اسلامی انجام می‌گرفت تطبیق بی ضابطه آیات قرآنی بر اهل بیت علیهم‌السلام و دشمنان آنها بود. بنا بر تحقیقی روایاتی که در آنها آیات قرآن بر اهل بیت علیهم‌السلام و دشمنانشان تطبیق داده شده است ۲۱۳۰ روایت می‌باشد که در سند ۶۴۹ مورد آنها راویان متهم به غلو و فساد در عقیده یافت می‌شوند (دیاری بیدگلی، ۱۳۸۸ش: ۶).

ابن عدی در الکامل از عبدالاعلی بن ابی المسوار چنین نقل می‌کند که از مغیره بن سعید کذاب شنیدم که در مورد آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ (نحل/۹۰) می‌گوید: «عدل» علی بن ابی طالب علیه‌السلام است، «احسان» فاطمه علیها‌السلام و «ذی القربی» حسنین علیهم‌السلام است و مراد از «فحشاء» ابوبکر است که افحش الناس می‌باشد و «منکر» عمر بن خطاب است (ابن عدی، ۱۴۰۹ق: ۳۵۳/۶؛ سند، ۱۳۸۹ش: ۱۷۳).

در تفسیر البرهان ذیل (باب فی ما عنی به الأئمة علیهم‌السلام) فی القرآن میخوانیم که شیخ طوسی به سند خویش از امام صادق علیه‌السلام روایتی را نقل می‌کند که حضرت فرمود: از دشمن ما در کتاب خدای به فحشا و منکر و بغی و خمر و میسر تعبیر شده است. (علامه بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۳۵ / ۱)

روایت فوق الذکر بخشی از یک روایت طولانی است که صاحب تاویل آیات الظاهره در مقدمه کتاب خویش به شیخ طوسی نسبت می‌دهد و می‌گوید: ﴿الشیخ أبو جعفر الطوسی یاسناده إلی الفضل بن شاذان عن داود بن کثیر قال: قلت لأبی عبد الله علیه‌السلام: أُنتم الصلاة فی کتاب الله عز و جل؟ و أُنتم الزکاة؟ و أُنتم الصیام؟ و أُنتم الحج؟ فقال: یا داود نحن الصلاة فی کتاب الله - عز و جل - و نحن الزکاة و نحن الصیام و نحن الحج و نحن الشهر الحرام و نحن البلد الحرام و نحن کعبة الله و نحن قبلة الله و نحن وجه الله، قال الله تعالی (فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ) و نحن الآیات و نحن البینات و عدونا فی کتاب الله عز و جل الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ وَالْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ و

الْأَصْنَامَ وَالْأَوْثَانَ وَالْجَبْتَ وَالطَّاغُوتَ وَالْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَالْحَمَّ الْخَنِزِيرَ﴾ (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۲۲ و از آنجا در علامه مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۳۰۳/۲۴).

این روایت در هیچ یک از آثار شیخ طوسی وجود ندارد، مؤلف تأویل آیات الظاهره بارها روایات باطنی را به مصباح الانوار شیخ طوسی نسبت می دهد و حال آنکه این کتاب با عنوان «مصباح الانوار فی فضائل (=مناقب) امام الابرار» تألیف شیخ هاشم بن محمد از علمای سده ششم هجری می باشد (آقابزرگ طهرانی، بی تا: ۲۲۲/۱۱) که به گفته شیخ حر عاملی فردی فاضل، محدث و کثیرالروایه بوده است (حر عاملی، بی تا: ۳۴۲/۲)، این کتاب غالباً در آثار دوره صفویه به اشتباه به شیخ طوسی نسبت داده شده است در صورتی که مؤلف بارها از شیخ شاذان بن جبرئیل قمی که متأخر از شیخ طوسی است نقل می کند (سید اعجاز حسین، ۱۴۰۹ق: ۵۲۶) به گفته علامه طهرانی این اشتباه ناشی از آن است که در ظهر نسخه نجف اشرف عبارت «للشیخ الطوسی» به چشم می خورد در حالی که در مواضعی از جلد اول می گوید: «قال المؤلف هاشم بن محمد» (آقابزرگ طهرانی، بی تا: ۱۰۳/۲۱)، بنابر تحقیقی در سند کتاب «مصباح الانوار»، ابن عیاش جوهری از اساتید نجاشی وجود دارد که متهم به جعل بوده و غالباً نجاشی از ذکر نام وی در سند روایاتش پرهیز داشته و از او با عنوان «بعض شیوخنا» یاد می کرده است. (انصاری، حسن، «دشواری بازسازی متون: نمونه کتاب الوصیه عیسی بن المستفاد»، سایت <http://www.ansari.kateban.com>).

در سند تقطیع شده روایت فوق داوود بن کثیر رقی وجود دارد که نجاشی از او با تعبیر «ضعیف جداً» یاد می کند و می گوید: غلات از او بسیار نقل نموده اند و احمد بن عبدالواحد معتقد است حتی یک روایت صحیح از او نقل نشده است (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۱۵۶) آیت الله خوئی پس از بیان دیدگاه جارحان و معدلان، نظر نجاشی و ابن غضائری در تضعیف وی را برمی گزیند (خوئی، ۱۴۱۳ق: ۱۲۲/۷).

در تفسیر عیاشی ذیل آیه ﴿وَ قَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ﴾ (ابراهیم/۲۲) در نسبتی کذب به امام باقر علیه السلام می خوانیم: «مراد از «شیطان» در اینجا و سراسر قرآن، خلیفه دوم می باشد» (عیاشی،



۱۳۸۰ق: ۲/۲۲۳). ریشه یابی چنین روایاتی دست مغیره بن سعید را به وضوح نشان می دهد، همو که امام صادق علیه السلام او را به خاطر دسّ روایات ساختگی در روایات امام باقر علیه السلام لعن می نمود؛ (ابن داوود، ۵۱۷) آن جا که در تفسیر آیه **﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾** (احزاب/۷۲)، می گوید: منظور از این انسان ظلوم و جهول خلیفه اول است که به اصرار خلیفه دوم خلافت را غصب نمود و قول داد که بعد از خود او را خلیفه گرداند (علامه مجلسی، ۲۰۲/۶۴) و یا آیه **﴿كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ، فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ﴾** (حشر/۱۶) را در باب اول و دوم میدانند (همو).

نمونه دیگر از تاویلات غالیان مربوط به آیه **﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾** (آل عمران/۷) می باشد که عیاشی در این باره می گوید: **﴿عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ» قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَثَمَةُ ع «وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ» فُلَانٌ وَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ «فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ» أَصْحَابُهُمْ وَ أَهْلُ وَاوَالِيَتِهِمْ﴾** (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۱/۱۶۲)

سندی را که کلینی از این روایت بدست می دهد چنین است: **﴿الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَوْرَمَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام ...﴾** (کلینی، ۱۳۶۵ش: ۱/۴۱۶، باب فيه نتف و نکت من التنزيل في الولاية، ح ۱۴).

بررسی سندی:

۱- در سند روایت محمد بن اورمه ابو جعفر قمی وجود دارد که توسط قمیان متهم به غلو بود، (ابن غضائری، ۱۳۶۴ق: ۵/۱۶۰، نجاشی: ۱۴۰۷ق: ۳۲۹)، ابن غضائری ضمن نقل این مطلب

می گوید: احادیث وی مشکلی ندارد مگر آنچه مربوط به تفسیر باطنی است که گویا به نام وی جعل شده است (همو).

۲- علی بن حسان بن کثیر هاشمی دیگر راوی این سند از موالی عباس بن محمد بن علی (م ۱۸۶) برادر منصور خلیفه عباسی و راوی مطالب باطنی در اواخر قرن دوم می باشد (مدرسی طباطبائی، ۱۳۸۶ش: ۲۴۴) که ابن غضائری و نجاشی وی را غالی و فاسدالعقیده معرفی نموده اند (ابن غضائری، همان، ۲۰۱/۴؛ نجاشی، همان، ۲۵۱) و کشی او را دروغگو و واقفی دانسته است (کشی، همان، ۴۵۲).

۳- عبدالرحمن بن کثیر هاشمی عموی علی بن حسان از امام صادق علیه السلام روایت می کرده و تمایلات باطنی روشن داشته است. وی از مفضل جعفی که منبع معروف روایات باطنی و غالیانه است، نیز نقل حدیث می کرده است (مدرسی طباطبائی، همان، ۲۲۵). نجاشی ضمن تضعیف وی می گوید علمای شیعه بدو بدبین بودند و او را جاعل حدیث می دانستند (نجاشی، همان، ۲۳۴).

ذیل آیه ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾ (بقره/۲۳ و ۲۴) تعدادی از تفاسیر روایی و در صدر آنها تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام در روایتی منسوب به امام سجاد علیه السلام، مخاطب این آیه را اعم از اهل کتاب، منافقان و نواصبی دانسته که نسبت به گفته های پیامبر صلی الله علیه و آله در خصوص برتری و امامت علی علیه السلام شک و شبهه دارند. (امام حسن عسکری، ص ۲۰۰؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۴۵؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق: / ۱۵۳ و با تلخیص در فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: / ۱۰۱). حویزی نیز در روایتی به نقل از کلینی می گوید: جبرئیل آیه را بر محمد صلی الله علیه و آله به این طریق فرود آورده که ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا - فِي عَلِيٍّ - فَاتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ﴾.



سندی که کلینی از این روایت به دست می دهد چنین است: «وبهذا الاسناد، عن محمد بن سنان، عن عمار بن مروان، عن منخل، عن جابر [عن ابی جعفر]...» (کلینی، بی تا: / ۶۱۶)

بررسی سندی:

۱- ابو جعفر محمد بن سنان زاهری، ضعیف، غالی و واضح حدیث معرفی شده است (ابن غضائری، ۱۳۶۴ق: ۵/۲۲۹) و فضل بن شاذان او را جزو مشهورترین کذابین دانسته است (علامه حلی، ۱۴۱۱ق: ۲۵۱).

۲- منخل بن جمیل اسدی فردی ضعیف، فاسدالروایه و متهم به غلو می باشد که غلاه روایات بسیاری را از او نقل نموده اند (ابن داود، ۱۳۸۳ق: ۵۲۰؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۱/۴۲۱؛ ابن غضائری، همان، ۱۳۹/۶)

۳- جابر بن یزید جعفری متوفا به ۱۲۸ق از صادقین علیه السلام نقل می کند به دو علت در روایات وی تشکیک کرده اند: یکی اینکه فی نفسه مختلط بوده و دیگر اینکه افراد ضعیف و فاسد از وی نقل می کرده اند (نجاشی، ۹۲/۱). وی یک راوی بسیار پرکار بوده و تقریباً تمامی کتاب‌های رجالی سنی و شیعی، مدخل‌هایی به جابر جعفری اختصاص داده اند. گرایش باطنی گرایانه و غلوآمیز موجود در برخی از روایات وی سبب شده تا در میان شیعیان غالی از محبوبیت ویژه ای برخوردار باشد به گونه ای که او را از پیشکسوتان خود شمرده اند (مدرسی طباطبائی، ۱۳۰-۱۳۲). در کتب ملل و نحل نیز از او به عنوان دومین رئیس فرقه غالی مغیره یاد می کنند (اشعری، بی تا: ۳/۱)

۵-۳- ترویج اباحیگری:

هدف اصلی غالیان، مسخ احکام الهی و بی محتوا ساختن شریعت و در نتیجه فراهم سازی زمینه اباحیگری و عیاشی و تن پروری بود. گاه علنا به ترویج اباحیگری می پرداختند، چنان که شیخ صدوق به سند خویش نقل می کند که به امام صادق علیه السلام عرضه داشتند که ابوالخطاب به نقل از شما می گوید: هرگاه حق را شناختید هر چه خواستید انجام دهید، حضرت ضمن لعن ابوالخطاب

می فرماید: به خدا چنین نیست، گفتم وقتی حق را شناختی هر عمل خیری که انجام دهی پذیرفته می شود (صدوق، ۱۳۶۱ ش: ۳۸۸).

و گاه با جعل و یا سوء استفاده از روایاتی که بر محبت اهل بیت علیهم السلام تاکید دارد به ترویج این ایده می پرداختند که صرف محبت اهل بیت علیهم السلام کفایت از هر عمل عبادی می نماید و اگر گناهان محبین اهل بیت علیهم السلام به اندازه ستارگان آسمان و قطرات دریا باشد هیچ باکی بر او نیست، و بدین ترتیب زمینه فکری اباحیگری را فراهم می نمودند. توجهاتی که رهبران هواپرست غلات برای اباحیگری های خود ارائه می نمودند، استناد به اصول باطلی همچون کفایت معرفت امام از همه تکالیف، اصل آفرینش همه اشیاء و طیبات و شهوات برای انسان، اصل وجوب احکام تا مرحله امتحان و نه پس از آن و اصل کنایه ای بودن واجبات و محرمات بود (صفری، ۲۰). غافل از اینکه صرف محبت و عشق به اهل بیت علیهم السلام (منهای عمل و تقوا و تبعیت) حاصلی جز غرور و افتادن در ورطه خطرناک اباحیگری ندارد.

اما محبت حقیقی تبعیت واقعی را می طلبد و انسان را از مخالفت محبوب باز می دارد و نوعی هم‌رنگی و همراهی بین مُحِبِّ و محبوب پدید می آورد، چنان که امام صادق علیه السلام در معرفی این نوع از شیعیان می فرماید: ﴿وَفِرْقَةُ أَحِبُّونَا وَحَفَظُوا قَوْلَنَا وَاطَاعُوا أَمْرَنَا وَلَمْ يُخَالَفُوا فِعْلَنَا، فَاوَلْتَكُنَّا وَنَحْنُ مِنْهُمْ﴾ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۵۱۴؛ علامه مجلسی، همان: ۳۸۲/۷۵).

این دو نگاه به محبت اهل بیت علیهم السلام در شعر حاجب بروجردی چنین به تصویر کشیده شده است:

حاجب اگر معامله حشر با علی است من ضامنم که هر چه خواهی گناه کن

این شعر دقیقاً ترجمان نگاه غالبانه به محبت اهل بیت علیهم السلام است و در تصحیح آن می گوید:

حاجب اگر معامله حشر با علی است شرم از رخ علی کن و کمتر گناه کن

(حاجب بروجردی، ۱۳۳۰ ش).



برخی از روایات اگرچه تصریحی در اباحیگری ندارند؛ اما ثمره عملی چنین نگاهی تفاوت چندانی با نگاه غالیان به محبت اهل بیت علیهم‌السلام ندارد، که در ذیل به دو نمونه اشاره می‌شود:

تفسیر روایی در ذیل آیه ﴿وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ﴾ (بقره/۲۵۱) روایتی را از کافی کلینی نقل می‌کند که امام صادق علیه‌السلام در معنی آیه می‌فرماید: خدای تعالی دفع می‌کند به برکت آن کسی که نماز می‌کند از شیعه ما از آن کسی که نماز نمی‌کند از شیعه و اگر اجتماع می‌کردند همه بر ترک نماز هر آینه هلاک می‌شدند. و دفع می‌کند و می‌گذراند به کسی که زکات می‌دهد از شیعه، از آن که زکات نمی‌دهد و اگر اجتماع می‌کردند همه بر ترک زکات هر آینه هلاک می‌شدند. و می‌گذراند به کسی که حج می‌کند از شیعه، از آن که حج نمی‌کند و اگر اجتماع می‌کردند همه بر ترک حج هلاک می‌شدند. بعد از آن فرمود که این است مضمون قول خدای تبارک و تعالی که ﴿وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ﴾ تا آخر و به خدا قسم که نازل نشده این آیه مگر در باب شما شیعیان (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ۱/۲۱۵)

کلینی روایت فوق را بدین سند روایت نموده است: ﴿عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْدِي عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ يُونُسَ بْنِ زَيْبَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام قَالَ: ...﴾ (کلینی، ۴۵۱/۲).

بررسی سندی: ۱- در سند این روایت عبدالله بن قاسم غالی کذاب (نجاشی، همان، ۱۵۵/۱) و ۲- یونس بن زببان غالی و واضع حدیث وجود دارند، که فرد اخیر توسط امام کاظم علیه‌السلام مورد لعن قرار گرفت (همو، ۳۲۰/۱؛ ابن داوود، ۱۳۸۳ق: ۲۷۸/۱؛ خویی، همان، ۱۴۶/۲۱).

و از جمله ذیل آیه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾ (بقره/۲۰۷) به نقل از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام چنین می‌خوانیم که: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند در روز قیامت شیعه علی را بیاورند درحالی که هیچ حسنه ای ندارد و گناهان او بزرگ تر از کوههای بلند و دریاها سیاره باشد و همگان گویند که این عبد از جمله هالکین است و در عذاب الهی از جمله خالدین. خدا به او مهلت دهد که در عرصات قیامت به دنبال فریادرس بگردد در این اثنا حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: لیبک ای شیعه من که قلب تو در راه محبت ما امتحان شده و بر تو ستم شده

است و نزد خدا شفیع او می شود، خداوند این شیعه سراپا گناه را می بخشد؛ اما نسبت به حق الناس نیز حضرت علی علیه السلام ثواب یک نفس از انفاس خویش در ليله المبيت را به طلبکاران وی می دهد و این شیعه نجات می یابد و وارد قصرهای زیبای بهشتی می شود که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوسی نشنیده باشد. بعد از آن پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود که ﴿أَذَلَّكَ خَيْرٌ نَزُلًا أَمْ شَجَرَهُ الزُّقُومِ الْمَعْدَّةَ لِمُخَالِفِي أَخِي وَ وَصِيِّ عَلِيٍّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ﴾؛ یعنی آیا این بهتر است یا شجره زقوم که آماده کرده اند برای آنانی که مخالفت برادر و وصی من علی ابن ابیطالب کنند. (امام حسن عسکری، همان، ۱۲۷؛ مشهدی: ۱/۳۶۴)

این روایت از آنجا که از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده است، چنان که پیش از این گفتیم از نظر سندی فاقد اتقان روایی می باشد، از نظر متنی نیز محتوای آن همسو با دیدگاه غالبان می باشد که بر مبنای چنین دیدگاهی به اباحی گری روی می آوردند و به بهانه محبت اهل بیت علیهم السلام هر نوع فسق و فجوری را مرتکب می شدند. دیدگاه صحیح بر مبنای روایتی از حضرت علی علیه السلام آن است که انسان همواره نسبت به خداوند در خوف و رجاء به سر برد: ﴿وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام يَا بَنِيَّ خَفِ اللَّهَ خَوْفًا أَنْكَ لَوْ أَتَيْتَهُ بِحَسَنَاتِ أَهْلِ الْأَرْضِ لَمْ يَقْبَلْهَا مِنْكَ وَ أَرْجُ اللَّهَ رَجَاءً أَنْكَ لَوْ أَتَيْتَهُ بِسَيِّئَاتِ أَهْلِ الْأَرْضِ غَفَّرَهَا لَكَ﴾ (علامه مجلسی، همان، ۶۷/۳۹۴؛ شعیری، ۱۳۶۳ش، ۹۸؛ ورام بن ابی فراس، بی تا: ۱/۵۰). شبیه بدین مضمون از امام صادق درباب وصیت لقمان به فرزندش نیز آمده است (کلینی، همان، ۶۷/۲).

نتیجه گیری:

از بررسی پاره ای از روایاتی که به تفاسیر روایی راه یافته، مشخص شد که غالبان در پوشش تأویل آیات و با اهدافی چون خرافه پروری، اختلاف افکنی و ترویج اباحیگری، روایاتی را در کرامات و فضائل اهل بیت علیهم السلام جعل و نشر می دادند. نقل این دست از روایات توسط برخی از مفسران شیعه که رویکرد اخباری داشته اند نه با اهداف فوق که عموماً با هدف مؤمنانه و برجسته سازی جایگاه اهل بیت علیهم السلام صورت گرفته، غافل از اینکه چنین روایات سستی نمی تواند مستند



حقیقی محسوب شود. این دست از روایات ضمن مخالفت با روح قرآن کریم و سیره اهل بیت علیهم‌السلام دارای سند ضعیفی بوده که تاکنون کمتر مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند.

منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن ابی الحدید، عبدالحمید؛ شرح نهج البلاغه؛ قم: کتابخانه آیه الله مرعشی؛ ۱۴۰۴ق.
- ۳- ابن حنبل، احمد بن حنبل؛ مسند احمد؛ قاهره: موقع وزاره الاوقاف المصریه؛ بی تا.
- ۴- ابن داود حلی؛ رجال ابن داود؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
- ۵- ابن شعبه حرانی، حسن؛ تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
- ۶- ابن عدی، عبدالله بن عدی بن عبدالله بن محمد أبو احمد الجرجانی؛ الکامل فی الضعفاء، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
- ۷- ابن غضائری، احمد بن حسین؛ رجال ابن غضائری؛ قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۴ق.
- ۸- ابن فارس، ابوالحسن احمد بن فارس؛ معجم مقاییس اللغه؛ تحقیق عبدالسلام محمد هارون، بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۹ق.
- ۹- اتابادی، بدری، فهرست کتب دینی و مذهبی خطی کتابخانه سلطنتی.
- ۱۰- اسفندیاری، اسکندر، «پژوهشی درباره طوایف غلاه تا پایان غیبت صغری و موضع ائمه (ع) در این باب»، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.
- ۱۱- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله؛ ریاض العلماء و حیاض الفضلاء؛ ترجمه محمدباقر ساعدی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول: ۱۳۷۶ش.
- ۱۲- امین، سید محسن (م ۱۳۷۱ه)، اعیان الشیعه، تحقیق و تخریج: حسن امین، بیروت: دارالتعارف، ۱۴۰۳ق.
- ۱۳- انصاری، حسن، «دشوارة بازسازی متون: نمونه کتاب الوصیه عیسی بن المستفاد»، سایت

<http://www.ansari.kateban.com>

- ۱۴- آقا نوری، علی؛ خاستگاه تشیع و پیدایش فرقه های شیعی در عصر امامان؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛ چاپ دوم: ۱۳۸۶ ش.
- ۱۵- بابایی، علی اکبر؛ مکاتب تفسیری، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همکاری سمت، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۶- بحرانی، سیدهاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن؛ تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
- ۱۷- البغدادی اسماعیل الباشا (م ۱۳۳۹ ق)، هدیة العارفین لاسماء المؤلفین و آثار المصنفین، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۵۱ م.
- ۱۸- تهرانی، شیخ آقابزرگ؛ الذریعه الی تصانیف الشیعه؛ بیروت: دارالاضواء، چاپ دوم، بی تا.
- ۱۹- جزائری، سید نعمه الله؛ قصص الانبیاء؛ قم: کتابخانه مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
- ۲۰- جلالی، مهدی، «سیری در کتاب الاخبارالدخیله (۲)»، علوم حدیث، شماره ۹، ۱۳۷۷ ش.
- ۲۱- حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
- ۲۲- حر عاملی، محمد بن حسن؛ امل الآمل؛ تحقیق: سیداحمدحسینی، نجف اشرف: مطبعة الآداب، بی تا.
- ۲۳- حسینی، سید احمد، تلامذه المجلسی، قم: مکتبه آیه الله مرعشی العامه، چاپ اول: ۱۴۱۰ ق.
- ۲۴- حسینی استرآبادی، سید شرف الدین؛ تأویل الآیات الظاهره؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ ق.
- ۲۵- حسینی جلالی، سیدمحمدرضا؛ «من ذخائر التراث: انجاح المطالب»، مجله تراثنا، ج ۲۵.
- ۲۶- خراسانی، محمدهاشم بن محمدعلی؛ منتخب التواریخ؛ تحقیق: ابوالحسن شعرانی، کتابفروشی اسلامیة، تهران: ۱۳۴۷ ش.
- ۲۷- خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، بی تا، ۱۴۱۳ ق.
- ۲۸- دلبری، شهربانو، «جریان شناسی غلو و غالیان در عصر رضوی با تأکید بر آموزه های امام رضا (ع)»، فرهنگ رضوی، تابستان ۱۳۹۴، ش ۱۰، صص ۷۵ تا ۹۶.
- ۲۹- دیاری بیدگلی، محمدتقی، «رد پای غالیان در روایات تفسیری»، پژوهش دینی، شماره نوزدهم، پائیز و زمستان ۱۳۸۸ ش.



- ۳۰- رستمی، علی اکبر، آسیب شناسی و روش شناسی تفسیر معصومان علیهم السلام، بی جا، کتاب مبین، چاپ اول: ۱۳۸۰ ش.
- ۳۱- روحانی، سید مهدی؛ فرهنگ جامع فرق اسلامی؛ به کوشش سید حسن خمینی؛ تهران: اطلاعات؛ چاپ دوم: ۱۳۹۰ ش.
- ۳۲- زرکلی، خیرالدین (م ۱۴۱۰ ق)، الاعلام قاموس تراجم، چاپ پنجم، دارالعلم للملایین، بیروت، بی تا.
- ۳۳- سند، محمد؛ الغلو و الفرق الباطنیه؛ قم: باقیات؛ چاپ اول: ۱۳۸۹ ش.
- ۳۴- سید اعجاز حسین (م ۱۲۸۶ ق)؛ کشف الحجب و الاستار؛ قم: مکتبه آیه الله المرعشی، چاپ دوم: ۱۴۰۹ ق.
- ۳۵- شعیری، تاج الدین؛ جامع الاخبار؛ قم: رضی، ۱۳۶۳ ش.
- ۳۶- شوشتری (تستری)، محمد تقی؛ الاخبار الدخیله، تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران: صدوق، چاپ دوم: ۱۳۹۰ ق.
- ۳۷- شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم؛ الملل و النحل؛ با مقدمه و حواشی: صلاح الدین الهواری؛ بیروت: دار و مکتبه الهلال؛ چاپ اول: ۱۹۸۸ م.
- ۳۸- شهیدی صالحی، عبدالحسین، تفسیر و تفاسیر شیعه، حدیث امروز، قم ۱۳۸۱ ش.
- ۳۹- صابری، حسین؛ تاریخ فرق اسلامی؛ تهران: سمت؛ چاپ سوم: ۱۳۸۶ ش.
- ۴۰- صالحی نجف آبادی، نعمت الله، «عصای موسی یا درمان بیماری غلو»، چاپ اول، تهران: انتشارات امید، خرداد ۱۳۸۰.
- ۴۱- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی؛ الاعتقادات؛ تحقیق عصام عبدالسید، مرکز الابحاث العقائديه (مکتبه الشامله)، بی تا.
- ۴۲- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی؛ الخصال؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.
- ۴۳- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی؛ عیون الاخبار؛ بی جا، جهان، ۱۳۷۸ ق.
- ۴۴- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی؛ معانی الأخبار؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ ش.

- ۴۵- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی؛ من لایحضره الفقیه؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
- ۴۶- صفری فروشانی، نعمت الله، غالیان: کاوشی در جریانها و برایندها تا پایان سده سوم، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم: ۱۳۸۸.
- ۴۷- صفری فروشانی، نعمت الله؛ «جریان شناسی غلو(۱)»، علوم حدیث، شماره ۱، پاییز ۱۳۷۵ش، صص ۱۰۸-۱۲۶.
- ۴۸- طباطبائی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
- ۴۹- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت ۱۴۲۵ق.
- ۵۰- طبری، محمد بن جریر؛ تاریخ طبری(تاریخ الأمم والملوک)؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول: ۱۴۰۷ق.
- ۵۱- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن؛ الاستبصار؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
- ۵۲- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن؛ تهذیب الاحکام؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
- ۵۳- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- ۵۴- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن؛ رجال طوسی؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۵ق.
- ۵۵- عروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعه؛ نورالثقلین؛ قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- ۵۶- عقیلی، ابوجعفر محمد بن عمرو بن موسی بن حماد؛ الضعفاء الکبیر؛ بی تا، بی نا.
- ۵۷- عیاشی، محمد بن مسعود؛ تفسیر عیاشی؛ تهران: علمیه، ۱۳۸۰ق.
- ۵۸- غفاری علی اکبر و محمد حسن صانعی پور؛ دراسات فی علم الدرایه(تلخیص مقباس الهدایه)؛ ترجمه ولی الله حسومی، قم: دانشکده اصول الدین، چاپ اول: ۱۳۸۸ش.
- ۵۹- فهرست نسخه های خطی آستان قدس رضوی، ج ۱۱، ص ۵۴۵.
- ۶۰- فیض کاشانی، ملامحسن؛ تفسیر صافی؛ تهران: صدر، ۱۴۱۵ق.



۶۱- کشی، محمد بن عمر؛ رجال کشی (اختیار معرفه الرجال کشی)، به کوشش ابوجعفر محمد بن حسن طوسی؛ مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۴۸ش.

۶۲- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.

۶۳- مجلسی، علامه محمدباقر؛ بحارالانوار، بیروت: دارالوفاء، ۱۴۰۴ق.

۶۴- مدرسی طباطبائی، سید حسین؛ میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ترجمه سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم: نشر مورخ، چاپ اول: ۱۳۸۶ش.

۶۵- مشهدی قمی، محمد بن محمد رضا (ق ۱۲ق)، کنزالدقائق وبحرالغرائب، تحقیق حسین درگاهی، تهران: شمس الضحی، ۱۳۸۷ش.

۶۶- مشهدی قمی، میرزا محمد بن محمد رضا (قرن ۱۲هـ)، تبيان سلیمانی، تصحیح و تحقیق: علی آهنگ، مشهد: نسیم رضوان، چاپ اول: ۱۴۰۰ش.

۶۷- معرفت، محمد هادی؛ التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد: ۱۴۱۸ق.

۶۸- مفید، محمد بن محمد بن نعمان؛ تصحیح اعتقادات الامامیه؛ بی نا؛ بی جا، (نسخه مکتبه الشامله)، بی تا.

۶۹- نجاشی، احمد بن علی؛ رجال نجاشی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق.

۷۰- نوری، میرزا حسین (محدث نوری)، الفیض القدسی فی ترجمه علامه المجلسی، (در ضمن جلد ۲۰۲ بحارالانوار)، بیروت: موسسه الوفاء.

۷۱- نوری، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل؛ قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ق.

۷۲- ورام بن ابی فراس؛ مجموعه ورام؛ قم: مکتبه الفقیه، بی تا.

۷۳- ولایتی، مهدی، فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، مشهد: اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴

References:

- 1.The Holy Quran
2. Ibn Abi Al-Hadid, Abdul Hamid; Explanation of Nahj-albalaghah; Qom: Ayatollah Marashi Library; 1404 AH.
- 3.Ibn Hanbal, Ahmad Ibn Hanbal; Musnad Ahmad; Cairo: During the Ministry of Endowments of Egypt; No date.
- 4.Ibn Daud Helli; Rijal-e Ibn Dawood; Tehran: University of Tehran, 2004.
- 5.Ibn Shuba Harrani, Hassan; Tohaf al-Aqool, Qom: Jameh Modarresin, 1404 AH.
- 6.Ibn Uday, Abdullah bin Uday bin Abdullah bin Muhammad Abu Ahmad Al-Jorjani; al-Kamil Fi al-Zo'afa, Beirut: Dar al-Fikr, 1409 AH.
7. Ibn Ghazaeri, Ahmad Ibn Hussein; Rijal-e Ibn Ghazaeri; Qom: Ismailian, 1364 AH.
- 8.Ibn Faris, Abul Hassan Ahmad Ibn Faris; Mo'jam Maqayis al-Loghat; Research of Abdul Salam Mohammad Haroon, Beirut: Dar al-Fikr, 1399 AH.
9. Atabadi, Badri, list of religious and manuscript books of the Royal Library.
10. Esfandiari, Eskandar, "Research on the tribes of Gholat until the end of the minor absence and the position of the Imams (AS) in this regard", first edition, Tehran, Islamic Propaganda Organization Publishing Center, 1995.
- 11.Effendi Isfahani, Mirza Abdullah; Riyadh al-'Ulama and Hayad al-Fozala; Translated by Mohammad Baqer Saedi, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation, First Edition: 1997.
12. Amin, seyed Mohsen. (d.1371 AH),Ayan al-Shia, Research and Exclusion: Hs, asan Amin. Beirut, Dar al-Taarif,1403 AH
13. Ansari, Hassan, "The difficulty of reconstructing texts: an example of the book of the will of Isa bin Al-Mustafad", [http:// ansari.kateban.com](http://ansari.kateban.com)
14. Aqa Nouri, Ali; The origin of Shiism and the emergence of Shiite sects in the time of the Imams; Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture; Second Edition: 2007.
- 15.Babaei, Ali Akbar; Schools of Interpretations, Tehran: Research Institute and University in collaboration with Samt, 2002.
- 16.Bahrani, Seyed Hashem; Alborhan Fi Tafsir Alqoran; Tehran: Besat Foundation, 1416 AH.
- 17.Al-Baghdadi Ismail Al-Pasha (d. 1339 AH), Hadia al-'Arefin le Asma al-Moallefin and Athare al-Mosannefin, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi, , 1951.



18. Tehrani, Sheikh Aghabzorg; Al-Dari'ah Ela Tasanif al-Shi'a; Beirut: Dar al-Azwa, second edition, Bita.
19. Jazayeri, Sayyid Nimahullah; The storys of the prophets (Qeasas al-Anbia); Qom: Marashi Library, 1404 AH.
20. Jalali, Mehdi, "A look at the book of Al-Akhbar Al-dakheelah (2)", Hadith Sciences, No. 9, 1998.
21. Hor Ameli, Mohd Ibn Hassan; Wasael Al-Shia; Qom: Al-Bayt Institute, 1409 AH.
22. Hor Ameli, Muhammad ibn Hassan; Amal Al-Amel; Research: Seyyed Ahmad Hosseini, Najaf Ashraf: Al-Adab Press, No Date.
23. Hosseini, Seyyed Ahmad, Al-Majlisi Students, Qom: Maktab Ayatollah Marashi Al-Aameh, first edition: 1410 AH.
24. Hosseini Astarabadi, Seyed Sharafuddin; Tawil Al-Ayat Al-Zahirah; Qom: Society of Teachers, 1409 AH.
25. Hosseini Jalali, Seyed Mohammad Reza; "From the Treasures of Inheritance: Injah al-Mataleb"; Torathona Magazine, Vol. 25.
26. Khorasani, Mohammad Hashim bin Mohammad Ali; Selected Of Historys; Research: Abolhassan Sha'rani, Islamic Bookstore, Tehran: 1347.
27. Khoei, Sayyid Abu al-Qasim, Dictionary of Hadith Men (Mo'jam Rejal al-Hadith), No publisher, 1413 AH.
28. Delbari, Shahrbanoo, "The stream of exaggeration in the Razavi era with emphasis on the teachings of Imam Reza (AS)", Razavi Culture, Summer 2015, Vol. 10, pp. 75-96.
29. Diari Bidgoli, Mohammad Taghi, The Footprints of Ghaliens in Interpretive Narrations, Religious Studies, No. 19, Fall and Winter 2009.
30. Rostami, Ali Akbar, Pathology and Methodology of Interpretation of the Infallibles (AS), Mobin Book, First Edition: 2001.
31. Rouhani, Seyed Mehdi; Comprehensive Dictionary of Islamic Sects; By the efforts of Seyyed Hassan Khomeini; Tehran: Information; Second Edition: 1390.
32. Zerekli, Khair al-Din (d. 1410 AH), Al-A'lam Dictionary of Translation, Fifth Edition, Dar al-Elm le-almalayin, Beirut, No date.
33. Sanad, Muhammad; Exaggerators and esoteric sects; Qom: Remnants; First Edition: 2010
34. Sayyid Ijaz Hussein (d. 1286 AH); Kashf al-Hojob and al-Astar; Qom: Maktab Ayatollah Al-Marashi, second edition: 1409 AH.

four period

The seven number
autumn and winter

2021-2022

35. Shoairy, Tajuddin; Jame' al-Akhbar; Qom: Razi, 1363.
36. Shoushtari (Tester), Mohammad Taghi; al-Akhbar al-Dakhilah; Research By: Ali Akbar Ghaffari, Tehran: Sadough, second edition: 1390 AH.
37. Shahrestani, Abolfath Muhammad bin Abdul Karim; Nations and sects (al-Melal and al-Nehal); With introduction and footnotes: Salahuddin Al-Hawari; Beirut: Al-Hilal School; First Edition: 1988.
38. Shahidi Salehi, Abdul Hussein, Tafsir and Tafasir Shia, Hadith Today, Qom, 2002.
39. Saberi, Hussein; History of Islamic sects; Tehran: Samt; Third Edition: 2007.
40. Salehi Najafabadi, Nematollah, "The staff of Moses or the treatment of exaggeration", first edition, Tehran: Omid Publications, June 2001.
41. Saduq, Abu Ja'far Muhammad ibn Ali ibn Babawiyah Qomi; Beliefs (al-Eteqadat); Research by Issam Abdul Sayyid, Al-Aqeediyya Research Center (Maktab al-Shamla), No Date.
42. Saduq, Abu Ja'far Muhammad ibn Ali ibn Babawiyah Qomi; al-Khesal; Qom: Society of Teachers, 1403 AH.
43. Saduq, Abu Ja'far Muhammad ibn Ali ibn Babawiyah Qomi; oyon al-Akhbar; Jahan, 1378 AH.
44. Saduq, Abu Ja'far Muhammad ibn Ali ibn Babawiyah Qomi; Ma'ani al-Akhbar; Qom: Teachers Association, 1982.
45. Saduq, Abu Ja'far Muhammad ibn Ali ibn Babawiyah Qomi; Man La Yahdoroh al-Faqih; Qom: Society of Teachers, 1413 AH.
46. Safari Foroushani, Nematollah, Ghalian: Exploring currents and outcomes until the end of the third century, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation, second edition: 2009.
47. Safari Foroushani, Nematullah; "The current of exaggeration (1)", Hadith Sciences, No. 1, Fall 1996, pp. 126-108.
48. Tabatabai, Seyed Mohammad Hossein; al-Mizan Fi Tafsir al-Quran; Qom: Society of Teachers, 1417 AH.
49. Tabarsi, Abu Ali Fadl Ibn Hassan; Majma' al-Baian Fi Tafsir al-Quran, Scientific Foundation for Publications, Beirut, 1425 AH.
50. Tabari, Muhammad ibn Jarir; Tabari history (history of nations and kings); Beirut: Dar al-Kitab al-Almiya, first edition: 1407 AH.
51. Tusi, Abu Ja'far Muhammad ibn Hassan; al-Estebzar; Tehran: Islamic Library, 1390 AH.



52. Tusi, Abu Ja'far Muhammad ibn Hassan; Tahdhib al-Ahkam; Tehran: Islamic Library, 1986.

53. Tusi, Abu Ja'far Muhammad ibn Hassan; Al-Tibyan Fi Tafsir Al-Quran, Beirut: Dar Al-Hayya Al-Tarath Al-Arabi, no Date.

54. Tusi, Abu Ja'far Muhammad ibn Hassan; Rejal-e Tusi; Qom: Society of Teachers, 1415 AH.

55. Arosi Havizi, Abdul Ali Ibn Jum'a; Nor al-Thaqalain; Qom: Ismailian, 1415 AH.

56. Aqili, Abu Ja'far Muhammad ibn Amr ibn Musa ibn Hamad; al-Zo'afa al-Kabir; No publisher and no date.

57. Ayashi, Muhammad ibn Mas'ud; Interpretation of Ayashi; Tehran: Elmieh, 2001.

58. Ghaffari Ali Akbar and Mohammad Hassan Saneipour; Derasat Fi Elm al-Derayah (Talkhis Meqbas al-Hedayah); Translated by Valiullah Hassumi, Qom: Faculty of Principles of Religion, first edition: 2009.

59. List of manuscripts of Astan Quds Razavi, vol. 11, p. 545.

60. Feyz Kashani, Mullah Mohsen; Tafsir Safi; Tehran: Sadr, 1415 AH.

61. Qomi Mashhadi, Mohammad Ibn Mohammad Reza (12 AH AH), Kanz al-Daqaeq and Bahr al-Gharaib, research by Hossein Dargahi, Tehran: Shams Al-Duhahi, 2008.

62. Kashi, Muhammad ibn Umar; Rejal-e Kashi (Ekhtyar Marefat al-Rejal), by the efforts of Abu Ja'far Muhammad ibn Hassan Tusi; Mashhad: Ferdowsi University, 1348.

63. Klini, Abu Ja'far Muhammad ibn Ya'qub; Al-Kafi; Tehran: Islamic Library, 1986.

64. Majlisi, Allama Mohammad Baqir; Behar al-Anwar, Beirut: Dar al-Wafa, 1404 AH.

65. Modarresi Tabatabai, Seyed Hossein; Shiite written heritage from the first three centuries AH, translated by Seyyed Ali Qaraei and Rasoul Jafarian, Qom: published by the historian, first edition: 2007.

66. Mashhadi Qomi, Mirza Mohammad Ibn Mohammad Reza (12th century AH), Tebyan Soleimani, correction and research: Ali Ahang, Mashhad: Nasim Rezvan, first edition: 1400.

67. M'refat, Mohammad Hadi; al-Tafsir and al-Mofaseron Fi Thawbehe al-Qashib, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad: 1418 AH.

68. Mufid, Muhammad ibn Muhammad ibn Nu'man; Correction of Imamiyya beliefs; (version of Maktab al-Shamla), No publisher and date.

four period

The seven number

autumn and winter

2021-2022

69. Najashi, Ahmad Ibn Ali; Rijal Najashi, Qom: Society of Teachers, 1407 AH.
70. Nouri, Mirza Hussein (Muhaddith Nouri), Al-Faiz Al-Quds in the translation of Al-Majah Al-Majlisi, (in addition to Volume 102 of Behar al-Anvar), Beirut: Al-Wafa Institute.
71. Nouri, Mirza Hussein (Muhaddith Nouri), Mostadrak al-Wasael; Qom: Al-Bayt Institute, 1408 AH.
72. Varam Ibn Abi Firas; Varam Collection; Qom: Maktab al-Faqih, no Date.
73. Velaei, Mehdi, List of Manuscripts of Astan Quds Razavi Central Library, Mashhad: Astan Quds Razavi Cultural Affairs Office, 1985.